

جنایت دیگری در لنگرود!

حکومت جنایتکار به تکرار جنایت مشغول است.

امیرجوهری لنگرودی

andishe.gbg@hotmail.com



هنوز آبان ماه از راه نرسیده و جنایت سال گذشته آتش زدن کمپ ترک اعتیاد لنگرود و کشته شدن بالای سی و اندی نفر و به قتل رساندن مسئول کمپ در زندان لاهیجان، در اذهان کل مردم منطقه شرق گیلان جای دارد که جنایت دیگری در شهر سرسبز شمالی مان لنگرود بوقوع پیوست.

مرتب و از هر طرف از من می‌پرسند: امیر از جنایت لنگرود یا لاهیجان چه خبر؟ و من ماندم که یک دنیا محل خبرگیری در ولایتم (لنگرود) دارم چه باید بنویسم که به این و آن برنخورد؟ من خبرنگار و گزارشگر اینگونه امور نبوده و نیستم؛ از اینرو بر پایه تحلیل و درکم در قبال جنایت صورت پذیرفته، بر پایه دریافت های خبری ام می‌نویسم هرچه بادا باد!

در خبرهای دریافتی‌ام آمده است: سید محمد میرموسوی، جوانی برومند و چهارشانه - آنگونه که در تصویر دیده می‌شود - اصالتاً اهل روستای بارکوسرا و خانه پدری‌اش در آن روستا و خود ساکن لنگرود بوده است - بارکوسرا در گیلان، شهرستان لاهیجان، بخش رودبنه و جاده ارباستان، رودبنه - چاف به لنگرود واقع شده است - محمد موسوی مسافرکشی می‌کرد و در نوع خود آدم شرور و اهل دعوا و بزن و بهادر بوده و رفته در قهوه‌خانه رودبنه دعوا کرد و او را به پاسگاه روستای ناصر کیاده از توابع لاهیجان می‌برند و می‌زنند و می‌زنند تا از دست رفت و تمام!

این‌ها شنیده‌هایم بدون هیچ تعبیری در بافت خبر دریافتی‌ام است... در نگاه اول خبرش برای من شوک آور بود. دیدن تصویر جنازه در غسل‌خانه شهر، در شرایطی که مردم به زبان گیلکی توضیح چند و چون زدن را برزبان می‌راندند، برای ناممکن بود و حالم را به هم ریخت. با خود می‌گویم: چرا ما این حد بیرحم شده‌ایم که اخبار جنایت‌های دولتی برای ما عادی می‌شود؟

چرا وقتی **ستار بهشتی** کارگر و بلاگ نویس، یگانه جورکش مادر، را با بیرحمی تمام کُشتند و مادر و خواهرش را برای همیشه از داغ او ویران کردند، جامعه ما دچار التهاب نشد؟

چرا **زهرا (زیبا) کاظمی** خبرنگار کانادایی - ایرانی تبار که در مسافرتی به قصد تهیه گزارش در ایران، هنگام خیزش و اعتراضات دانشجویی، به جرم عکس‌برداری حین تجمع برخی از خانواده‌های زندانیان در مقابل زندان اوین، با اصرار سعید مرتضوی دادستان وقت تهران بازداشت شد، و در زندان او را از پای درآوردند... حتی جنازه‌اش را به مادر گریان و نالان، یگانه پسرش "**استفان هاشمی**" تحویل ندادند تا به کانادا ببرند و همین‌جا با زور به خاک سپردند تا آب از آب تکان نخورد، جامعه واکنشی از خود نشان نداد و سکوت کرد؟!!

در ایران لیست اسامی کسانی که در زندان‌های گوناگون به گونه سیستماتیک، شکنجه شده کشته و حقوق انسانی‌شان نقض شده کم نیست! از جمله: (کاووس سید امامی - وحید حیدری - سارو قهرمانی - زهرا بنی یعقوب، پزشک ایرانی - ایراهیم لطف الهی دانشجوی پیام نور - کاوه عزیز پور، زندانی سیاسی کرد - علی اکبر سعیدی سیرجانی نویسنده و پژوهشگر نام آشنا - فرشته علیزاده فعال دانشجویی - سعید زینالی دانشجوی - امید رضا میرصیافی فعال فرهنگی و وبلاگ نویس - اکبر محمدی فعال دانشجویی - امیرحسین حشمت ساران دبیر کل جبهه اتحاد ملی ایران - محسن دکمه چی یکی از بازاریان شناخته شده بازار تهران

بود، در رجایی شهر جنازه‌اش را یافتند و... و از همین شهر مالنگرود امیرجوادی‌فر، پسر جوان مهندس علی جوادی، که ۱۸ تیر ۱۳۸۸ بازداشت شد و در بازداشتگاه کهریزک بر اثر شکنجه کشته شد و مادرش که پیشتر در گذشته بود ولی مادر بزرگش چند سالی دنبال او بود به گمان اینکه نوه‌اش به ترکیه سفر کرده است و چشم براه دیدار نوه‌اش امیر بود، تا اینکه قامت استوار مادر بزرگ او از دست رفت. جامعه لنگرود خود را در از دست دادن معلمی فداکار و کار آزموده با عنوان **(خانم پختکار)** ماتم زده دید! و باز دو نمونه نادر قتل در زندان را یاد آور کردم و این لیست پر شمار جنایت را ببندم. رفیق سالیان کارگرم **شاهرخ زمانی** را در زندان و در برابر چشمان یک جامعه‌ای در تاریخ ۲۲ شهریور ۱۳۹۴ کشتند. شاهرخ را در سالن ۱۲ زندان رجایی شهر به قتل رساندند و تمام! در برابر آن حد اعتراض درون و برون کشور از حاکمان کر و کور، و دست اندر کاران دولت "تدبیر و امید" بانگی بر نخواست!

و آخرین؛ قافله سالار کانون نویسندگان ایران: شاعر و هنرمند بلند آوازه ایران **بکتاش آبتین** را جنایتکاران حاکم در شنبه ۱۸ دی سال ۱۴۰۰ در زندان کُشتند.

باری جنایت، جنایت است!

خبر اینکه؛ سوم شهریور ماه ۱۴۰۳، سید محمد میرموسوی حوالی لاهیجان دستگیر می‌شود. او را به پاسگاهی می‌برند و به قتل می‌رسانند. پنجم شهریور از خانواده‌اش می‌خواهند بروند و جنازه او را تحویل بگیرند به همین سادگی!

فیلمی از پیکر بی‌جان او در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی منتشر شده که آثار شکنجه‌های فراوان و شدیدی را نشان می‌دهد و هنگام غسل او افرادی هم به زبان گیلکی آثار شکنجه را در مقابل دوربین شرح می‌دهند. و پس از انتشار این ویدئو و اعتراضات کاربران در شبکه‌های اجتماعی است که دادستان لاهیجان ابراهیم انصاری اعلام می‌کند: «پنج نفر از پرسنل نیروی انتظامی "موقتا" دستگیر شده‌اند تا ابعاد موضوع روشن شود. آیا مجاز به شکنجه بوده‌اند یا نه؟!»!

در بخشی از اطلاعیه نیروی انتظامی جمهوری اسلامی که روز جمعه نهم شهریور در تشریح قتل همشهری‌ام محمد میرموسوی منتشر شده کشته شدن محمد میرموسوی را به «هیجان ناشی از اصطکاک صورت‌گرفته میان مرحوم میرموسوی و عوامل انتظامی» و «عدم کنترل خشم و احساسات از طرف برخی کارکنان و بی‌اعتنایی به وضعیت متهم» نسبت داده است. حالا جالبه در محل می‌گویند: «دادستان شهرستان لاهیجان خانواده مقتول را چنانچه بخواهند افشاگری نمایند، تهدید به بازداشت و پرونده سازی نموده است.» و مردم را

تهدید کردند که: «اگه کسی افشاگری کنه، آنها را هم درگونی می‌کنند و می‌برند».

هنوز یک سال از جنایت آتش زدن کمپ ترک اعتیاد لنگرود در آبان ماه ۱۴۰۲ نگذشته که مردم مبهوت این شهر داغدار جنایت فجیع دیگری شده‌اند. شهری که در شهریور ۱۴۰۱ و اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» در محاصره‌ی نیروهای نظامی و امنیتی و تک تیراندازها قرار گرفت و چندین جوان معترض خود را از دست داد که هنوز ابعاد این جنایات نیز روشن نشده است و داغ پشت داغ بر قلب مردم تازه است. باید پرسید این همه جنایت حکومتی در شهری کوچک و آرام و که زمانی به این آرامش و شاعرانش شهره بود، چطور رخ می‌دهد؟ چه بر سر این سرزمین آورده‌اند که جوان‌هایش به جای کار و تلاش و زندگی سالم و سعادت‌مند، قربانی افیون و خشونت شده‌اند؟ مسئول و مسبب این فجایع بی هیچ تردید نظام حکومت ننگین و ضد بشری جمهوری اسلامی است.

اگر این مسائل توسط گروه‌های مستقل مردمی و کارشناسان بی طرف رسیدگی و بررسی نشود و نتیجه‌ی آن به عموم اعلام نگردد و اگر جامعه شناسان و روانشناسان در پی توضیح علل آن بر نیایند و قتل حکومتی محمد میر موسوی را هم مانند جنایات پیشین با سرکوب و تهدید مسکوت بگذارند، متأسفانه باید شاهد تکرار چنین فجایعی در آینده‌ی نزدیک باشیم.

خبر این مرگ یا قتل یا جنایت برای من و هر انسان شرافتمندی شوک آور بود. نگاه به تصویر جنازه در اساس برای هر انسان ماء اندیشی دردناک بود. جامعه آزادیخواهی لنگرود خواهان این بوده است بساط این رفتارهای غیرانسانی و ددمنشانه، در بازداشت‌گاه‌ها جمع شود و مسببین اینگونه اعمال ضد انسانی، خود مجازات گردند.

چهارشنبه ۱۴ شهریور ۱۴۰۳ برابر با ۰۴ سپتامبر ۲۰۲۴